

تحلیلی مفهومی از روش «تبیین» و کاربرد آن در تربیت اخلاقی با تأکید بر تفسیر المیزان

دکتر فاطمه وجدانی*
دکتر محسن ایمانی**
دکتر رضا اکبریان***
دکتر علیرضا صادقزاده قمصری****

چکیده

این مقاله، تحقیقی کاربردی است که با رویکرد درون دینی و با شیوه تحلیل آیات مربوطه از قرآن کریم انجام شده است تا ابعاد و مؤلفه‌های شیوه «تبیین» - ویژگی‌های تبیین‌کننده، شیوه تبیین و مخاطب - روشن شود. سپس کاربرد این شیوه در تربیت اخلاقی مطرح شده و بر اساس یافته‌ها، وضع موجود برنامه‌های تربیت اخلاقی کشور مورد بررسی آسیب‌شناسانه قرار گرفته و مشخص شده است که تمام مؤلفه‌های مورد نظر (محتوای کتب درسی، روش تدریس، شیوه‌های ارزشیابی و مهارت‌های مربی) از شیوه تربیتی تبیین فاصله زیادی دارند. در پایان، پیشنهادهایی کاربردی جهت تغییر و اصلاح روش‌های تربیتی موجود و جایگزین کردن آن با روش قرآنی تبیین، برای دو نظام رسمی و غیر رسمی تربیت اخلاقی، به تفکیک مطرح شده است.

واژه‌های کلیدی: تبیین، قرآن کریم، تربیت اخلاقی، علامه طباطبایی (ره)، تفسیر المیزان

* دکتری فلسفه تعلیم و تربیت از دانشگاه تربیت مدرس (تأیید کننده نهایی مقاله)
** عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس
*** عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس
**** عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

Email: f_vodgdani@yahoo.com
Email: imanimo2@gmail.com
Email: dr.r.akbarian@gmail.com
Email: alireza_sadeqzadeh@yahoo.com

مقدمه

اخلاق و تربیت اخلاقی از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و مصلحان جامعه و به‌ویژه انبیای الهی بوده است. دلیل آن را می‌توان در نقش انکارناپذیر اخلاقیات در پیشگیری و درمان آسیب‌ها، انحرافات و ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی بشر جستجو کرد. در این راستا، تربیت اخلاقی همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های صاحب‌نظران تعلیم و تربیت بوده است. تربیت اخلاقی فرایندی چند بعدی است و ابعاد معرفت، عواطف، ایمان و اراده و عمل را تحت پوشش قرار می‌دهد.

عنصر معرفت جایگاه پایه‌ای در تربیت اخلاقی دارد؛ زیرا تمامی اعمال ارادی و اختیاری انسان مبتنی بر نوعی ادراک و آگاهی است؛ اگر انسان چیزی را برای خود خوب و به مصلحت تلقی کند - حتی اگر این تلقی، خیال و پنداری بیش نباشد - آن را دوست می‌دارد، اراده می‌کند و به انجام می‌رساند. از این رو، یکی از وظایف مهم هر مکتب تربیتی، پی‌ریزی و تحکیم مبانی معرفتی حقیقی و استوار در متربیان است تا بر آن اساس، زمینه اصلاح سایر عناصر و مؤلفه‌ها نیز فراهم آید.

طرح مسئله

بخش مهمی از برنامه‌های تربیتی نظام آموزشی کشور، اختصاص به تربیت اخلاقی دارد. با این حال، به اذعان صاحب‌نظران هنوز اهداف مورد نظر محقق نشده است و اشکالات فراوانی در این زمینه وجود دارد (حسینی، ۱۳۸۲). این امر نشان می‌دهد که محتوا و فرایند تربیت اخلاقی در همه یا برخی از ابعاد آن دچار نواقصی است.

تربیت اخلاقی نوعی تغییر است که قلمروهای عقلی، عاطفی و رفتاری را در بر می‌گیرد. متربی باید امور خوب را از بد بازشناسد، عواطف معینی داشته باشد و عمل او، جلوه درک و احساس اخلاقی او باشد (باقری، ۱۳۷۷، ص ۱۱). در این میان، معرفت، مقدمه ضروری و شرط لازم برای سایر عناصر تربیت محسوب می‌شود. اراده با آنکه آخرین حلقه علت تامه و تعیین‌کننده نهایی عمل اخلاقی است، اما مسبوق به علم است و متعلق اراده باید در ظرف اراده - نفس - تحقق داشته باشد؛ یعنی برای فاعل معلوم باشد (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۶۱). به عبارت دیگر، انسان تنها آن کاری را اراده می‌کند که کمال خود تشخیص داده باشد (همان، ج ۱، ص ۴۷۰). عواطف نیز گرچه نقش مهمی در عمل اخلاقی دارند و محرک و برانگیزاننده عمل هستند، اما عموماً مبدأ معرفتی دارند. بنابراین، نقص معرفتی منجر به اشکالاتی در سایر مبادی عمل نیز خواهد شد.

در سال‌های اخیر، تحقیقات زیادی در مورد کیفیت تربیت اخلاقی در مدارس کشور و آسیب‌شناسی آن انجام شده است. مسئله این است که ما در بخش تعلیمات دینی و اخلاقی دچار ناکارآمدی‌ها و کاستی‌های جدی هستیم. تحقیقات نشان می‌دهند که در تربیت دینی و اخلاقی صرفاً بر انتقال اطلاعات و حفظ طوطی‌وار آنها توسط دانش‌آموزان تأکید می‌شود (سعیدی رضوانی، ۱۳۸۶) و مؤلفه‌های مهمی مانند اقتناع عقلی، تقویت قدرت استدلال و نقادی و رفع شبهات مغفول واقع می‌شوند. روشن است که چنین اقداماتی - که به‌سختی می‌توان آن را تعلیم و تربیت نامید - نمی‌تواند تغییرات عمیق و پایداری در باورهای دانش‌آموزان ایجاد کند و آنها را به‌سوی عمل سوق دهد. شاید علت این مشکل آن است که ما از شیوه قرآن کریم برای معرفت‌بخشی غافل شده‌ایم.

اساساً یکی از مقاصد نزول قرآن کریم، تعلیم اخلاق فاضله بوده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۰۵) و قرآن برای این کار، روش خاصی را در پیش گرفته است که می‌توان آن را «روش تبیین» نامید. روش تبیینی قرآن را می‌توان در تمام حوزه‌های تربیت به‌کار گرفت، اما در این مقاله، به‌طور خاص حیطه تربیت اخلاقی مد نظر است.

مفهوم‌شناسی «تبیین»

«بیان» و مشتقات آن از ریشه «بَیِّن» (وسط) گرفته شده و چون وجود وسط، توأم با انفصال، ظهور و انقطاع است، لذا معنای «قطع و آشکار شدن» از آن به‌دست می‌آید. «بیان» در باب تفعیل (تبیین) یعنی چیزی را برای کسی روشن کردن و در صورتی که به باب تفعّل (تبیین) برود، معنای مطاوعی و اثرپذیری یعنی روشن شدن دارد. همچنین واژه یادشده در باب تفعیل، (تبیین) معنای «روشی» را نیز می‌رساند (قرشی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۵۵-۲۵۹). بنابراین، تبیین به‌عنوان یک روش هدایت و تربیت یعنی چیزی را برای کسی ایضاح و روشن کردن. علامه طباطبایی مراد از تبیین را کشف و پرده‌برداری از علل احکام و قوانین و روشنگری اصول و معارف و علوم ذکر می‌کند (طباطبایی، ۱۳۴۴، ج ۲، ص ۲۹۵). در فرهنگ عمید، تبیین به‌معنای بیان کردن، آشکار ساختن و توضیح دادن است (عمید، ۱۳۶۳، ص ۳۷۴) و معادل انگلیسی آن (Explanation) به‌معنای روشن کردن و شرح و توضیح دادن است (فرهنگ هریتیج، ۱۹۹۲، ص ۶۴۵). در بیانی دیگر، گفته شده است که مراد از تبیین در درجه اول، پاسخ به سؤال از «چرایی» است و علت‌پدیدار را بیان می‌کند (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۶). اکنون پس از بررسی معنا و مفهوم تبیین، لازم است اهمیت آن روشن شود.

اهمیت و جایگاه «تبیین» در قرآن کریم

خداوند متعال شیوه تبیین را برای معرفت‌بخشی و فهماندن مطالب در پیش گرفته و آن را از شئون ربوبیت خود دانسته^۱ و حتی بر خود واجب کرده است.^۲ خداوند در کتاب مبین خویش^۳، تعالیم نجات‌بخش خود (مشمول بر توحید، حقانیت رسالت پیامبر و کتاب خدا، احکام عملی و اخلاقیات) را تبیین کرده است.^۴ افزون بر این، موارد اختلاف را توضیح می‌دهد؛^۵ سیمای نیکوکاران و مجرمان و راه و رسم زندگی ایشان را نیز به روشنی بیان می‌کند و سرنوشت و عذاب‌های امت‌های پیشین را در قالب نمونه‌های متعدد روشن می‌سازد تا مایه عبرت و آگاهی بیشتر مردم شود.^۶ این چنین است که خداوند طریق هدایت و رشد را به روشنی تبیین و از طریق ضلالت و گمراهی متمایز می‌کند^۷ تا زمینه انتخاب آگاهانه و ایمان و عمل صالح که تنها ملاک سعادت انسان است، فراهم شود.

بر این اساس، می‌توان تبیین را اساسی‌ترین مرحله هدایت انسان دانست. هدایت الهی با تبیین از سوی خداوند و رسولان او آغاز می‌شود، با ایمان و عمل صالح تحقق می‌یابد و سبب می‌شود که انسان، شایسته دریافت رحمت و بشارت الهی شود.^۸ روشن شدن شد که تبیین، نقش اساسی در هدایت، تربیت و سعادت انسان دارد. البته اثربخشی آن همچون هر روش دیگری منوط به رعایت شرایطی است.

عوامل مؤثر در اثربخشی «تبیین»

در تبیین، سه عنصر «تبیین‌کننده»، «شیوه تبیین» و «مخاطب» دخیلند. هر یک از این سه عامل باید از شرایط خاصی برخوردار باشند تا مطلب در عمق جان انسان نفوذ کند و سبب هدایت و اصلاح اخلاق و رفتار او شود.

۱. فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ (انعام، ۱۵۷).

۲. إِنَّ عَلَيْنَا بَيِّنَاتِهِ (قیامه، ۱۹)

۳. ... قُرْآنٍ مُّبِينٍ (حجر، ۱)

۴. ر.ک: فصلت، ۵۳؛ بینه، ۱-۴؛ نساء، ۲۵ و ۱۷۶؛ بقره، ۱۸۵، ۲۰۰-۲۳۰ و ۲۶۶.

۵. وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَآيَاتٍ لَّكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ (زخرف، ۶۳)

۶. وَكَذَلِكَ نَقُصُّ الْأَبَاتِ وَنَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ (انعام، ۵۵)

۷. قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ (بقره، ۲۵۶)

۸. وَتَزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ (نحل، ۸۹)

تبیین کننده، خداوند متعال است که علم، حکمت و رحمت دارد. مخاطب نیز عموم بشر هستند^۱ که البته باید از آمادگی ذهنی و قوه تعقل برخوردار باشند. افزون بر تبیین کننده و مخاطب، اصول روش شناختی تبیین نیز باید رعایت شود. اهم ویژگی های مربوط به سه عنصر یادشده به همراه نمونه هایی از شواهد قرآنی در جدول شماره ۱ درج شده است.

تبیین کننده	ویژگی ها	آیات نمونه
تبیین کننده	علم	يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (نساء، ۱۷۶)
	حکمت (احاطه علمی، قدرت و استحکام) (ارفع، ۱۳۷۴، ص ۱۰۸)	«وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (نور، ۱۸)
تبیین کننده	رحمت و رأفت	هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرُؤُوفٌ رَّحِيمٌ (حدید، ۹)
	استفاده از فرهنگ و زبان مردم	وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ... (ابراهیم، ۴)
	استفاده از زبان همه فهم	وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَبَيِّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصَّيَامَ ... كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ ... (بقره، ۱۸۷)
تبیین کننده	استدلال روشن، قاطع و کافی (به جای تحمیل)	مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ انظُرْ كَيْفَ بَيَّنَّ لَهُمْ الْآيَاتِ... (مائده، ۷۵)
	بیان فلسفه اوامر و نواهی	...لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خِيَالًا وَدُّوْا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَقْوَاهِمُ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ... (آل عمران، ۱۱۸)
	بیان تفصیلی احکام	فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِن بَعْدِ حَتَّىٰ تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَن يَتَرَاجَعَا إِن ظَنَّا أَن يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (بقره، ۲۳۰)

۱. يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ (بقره، ۱۸۷)

...تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (بقره، ۱۸۷)	بیان هدف نهایی اعمال و اخلاق	
...أَحَذِكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَةٌ ضُعْفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (بقره، ۲۶۶)	پرسش و پاسخ	
يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَّفْعِهِمَا ... كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ... (بقره، ۲۱۹)	نگاه واقع‌گرایانه	
هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَيَّ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرُؤُوفٌ رَّحِيمٌ (حدید، ۹)	بذل عاطفه و محبت	تحریک انگیزشی - عاطفی:
هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَيَّ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ... (حدید، ۹)	اشاره به منافع اجرای حدود برای خود مخاطب	
وَلَا تَتَكَبَّرُوا الْمُسْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ ... وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْبِحْتَةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِآيَاتِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (بقره، ۲۲۱)	بشارت و انذار	
هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ ... كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ... (بقره، ۱۸۷)	استفاده از تشبیه	
مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ ... كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ (بقره، ۲۶۱ - ۲۶۶)	استفاده از تمثیل	
وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (آل عمران، ۱۰۳)	مواجهه با نتایج اعمال	
قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ: هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ... (آل عمران، ۱۳۷-۱۳۸)	عبرت آموزی	
...تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ (نمل، ۱)	به کار بردن توامان روش کلامی و نوشتاری	
...قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (آل عمران، ۱۱۸)	برخورداری از قوه تعقل	ج

جدول شماره ۱: عوامل مؤثر بر اثربخشی «تبیین»

کاربرد روش تبیین در تربیت اخلاقی

علامه طباطبایی نظرات دقیق و عمیقی درباره تربیت اخلاقی دارد. ایشان تربیت صالح را دارای دو بال علم نافع و عمل صالح می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۸۸) و معتقد است که اول باید به اعمال صالح و اخلاق فاضله عالم شد و بعد به آنها عمل کرد تا به تدریج تزکیه حاصل شود (همان، ج ۱۹، ص ۴۴۸)؛ یعنی ابتدا باید مطلب فهمیده شود و سپس مطلب فهمیده شده از طریق مداومت بر عمل در نفس مستقر گردد (همان، ج ۴، ص ۱۷۵). اکنون باید این موضوع بررسی شود که در تربیت اخلاقی چه چیزهایی و چگونه باید برای متربی تبیین شود. بررسی دیدگاه‌های علامه در مورد علم اخلاق به این امر کمک می‌کند.

به اعتقاد علامه علم اخلاق، فنی است که درباره ملکات مربوط به قوای نباتی، حیوانی و انسانی بحث می‌کند؛ به این غرض که فضایل آنها را از رذائلش جدا نموده و معلوم کند کدامیک از ملکات نفسانی، خوب و فضیلت و مایه کمال است و کدامیک بد و رذیله و مایه نقص؛ تا آدمی بعد از شناسائی آنها خود را با فضایل بیاراید و از رذائل دور کند و به کمال خود نائل شود. به عبارت دیگر، علم اخلاق، اصول چهارگانه اخلاقی و حدود فروع آنها را بیان می‌کند و از دو طرف افراط و تفریط جدایش می‌سازد، سپس فضیلت بودن آن را توضیح می‌دهد و طرز ملکه ساختن آن خلق خوب و جمیل را از راه علم و عمل روشن می‌سازد؛ یعنی برای وصول به آن از طریق علمی جهات حسن آن را ذکر و اعتقاد به خوبی آن را در شخص ایجاد می‌کند و برای رسیدن به آن از طریق عمل، طرز تکرار اعمالی که موجب رسوخ آن ملکه در نفس می‌شود، به انسان می‌آموزد (همان، ج ۱، ص ۵۵۸-۵۶۰؛ همو، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۷۷-۴۸۰). بر این اساس، بعد معرفتی تربیت اخلاقی، هم جنبه محتوایی و هم جنبه فرایندی داشته، دست‌کم مشتمل بر شش بعد زیر است:

الف) معرفت به مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی اخلاق (شناخت انسان، جهان، خدا، دین و کمال)؛

ب) شناخت فضائل و رذایل اخلاقی؛

ج) معرفت به چرایی‌ها (پیامدهای دنیوی، اخروی، فردی و اجتماعی اعمال)؛

د) معرفت به چگونگی‌ها (آموزش روش‌های تهذیب نفس از رذائل و آراستن نفس به فضائل)؛ زیرا در موارد زیادی، فرد می‌داند تکلیف اخلاقی‌اش چیست، اما نمی‌داند

چگونه به انجام تکلیف توفیق یابد (فرامرزقراملکی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۴-۱۲۵).

ه) استدلال و قضاوت اخلاقی؛

و) فراشناخت اخلاقی^۱ (ارزیابی و بررسی کفایت دانسته‌های خویش و به‌دنبال آن، اصلاح و رفع نقایص معرفتی خویش).

بنابراین، معرفت اخلاقی ابعاد گوناگونی دارد و نباید به هریک از اشکال معرفتی یادشده فروکاسته شود. اکنون نمونه‌ای از روش تبیینی قرآن در زمینه تعلیمات اخلاقی در سوره حجرات ارائه می‌شود:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (حجرات، ۱۰-۱۲)

خداوند در این آیات قانون و همچنین، نسبتی (برادری) را در میان مسلمانان مؤمن تشریح می‌کند که آثاری شرعی و حقوقی قانونی دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۷۰). دوستی دو برادر، دو طرفه و پایدار و بر اساس فطرت (و نه جاذبه‌های مادی) است؛ به گونه‌ای که ایشان همواره بازوی یکدیگرند و در شادی و غم یکدیگر، شریک (قرائتی، ۱۳۸۴، ج ۱۱، ص ۱۷۷). اکنون که شما برادر یکدیگر هستید، باید در حفظ رابطه اخوت بکوشید و از هر حرکتی که آن را خدشه‌دار کند، اجتناب کنید. تمسخر، تحقیر و بد صدا کردن از جمله این عوامل هستند. ریشه و علت تمسخر، خودبرتربینی است. شما چون ظاهر دیگری را می‌بینید و خود را برتر از او می‌شمارید، او را مسخره می‌کنید؛ در حالی که شاید او نزد خدا از شما بهتر باشد. پس این کار شما ظلم به اوست. از سوی دیگر، شما در یک مجتمع زندگی می‌کنید و در حقیقت همه از هم هستید؛ پس زمانی که عیب دیگری را فاش می‌کنید، با این کار، عیوب خودتان کشف می‌شود. افزون بر این، همان‌طور که عیب خودتان را نمی‌گویید و حاضر نیستید دیگران عیب شما را بگویند، پس شما نیز عیب دیگری را بازگو نکنید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۸۱).

دیگری را با القاب و نام‌های زشت صدا نکنید؛ اولاً، مؤمن بدان جهت که مؤمن است، بهتر است که همواره به خیر یاد شود؛ ثانیاً، این کار به ضرر خود شماست؛ زیرا با این کار، خود شما به عنوان فردی بد زبان شناخته می‌شوید؛ ثالثاً، بد صدا کردن، دیر یا زود به دو طرف کشیده می‌شود، در میان دوستان گسترش می‌یابد و ارتباطات سالم را تخریب می‌کند (قرائتی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۸۵). سوءظن، تجسس و غیبت نیز صلح و صفا و اخوت میان مؤمنان را از بین می‌برد و سوءظن و تجسس، زمینه‌های ورود به غیبت است (همان، ص ۱۹۱). اگر نزد شما از کسی بدگویی کنند یا به هر صورت، ظن بدی به دل‌تان وارد شد، آن را نپذیرید و به آن ترتیب اثر ندهید حتی اگر نمی‌دانید که آن ظن، حلال است یا حرام، باز هم احتیاط کنید و به آن ترتیب اثر ندهید؛ چون ممکن است براساس این بدگمانی، به او توهین کنید یا همان نسبت را که شنیده‌اید به او بدهید که عملی گناه و حرام است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۸۳).

اموری را که مردم می‌خواهند، پنهان بماند، پیگیری نکنید تا خبردار شوید؛ زیرا این کار زمینه عیب‌جویی‌های بعدی و ریختن آبروی ایشان را فراهم می‌آورد (همان، ص ۴۸۴). در غیاب دیگران (از هر سن و نژاد و مقام) عیب آنها را مگویند (غیبت نکنید).

به اعتقاد علامه طباطبایی دین از این جهت از غیبت نهی فرموده که غیبت جامعه را فاسد میکند؛ یعنی باعث می‌شود افراد جامعه همدیگر را پلید بشمارند، از یکدیگر بیزار شوند و قطع رابطه کنند و در نتیجه از خیر یکدیگر محروم بمانند. این قطع رابطه وقتی در وسعت کل جامعه در نظر گرفته شود، خسارت بزرگی به جامعه وارد می‌کند؛ زیرا جامعه عیناً مانند یک تن واحد است و عمل غیبت مانند خورهای اعضای بدن (جامعه) را یکی پس از دیگری می‌خورد تا جایی که به کلی رشته حیاتش را قطع می‌کند. پس خداوند پرده‌پوشی‌ها را بدین منظور مقرر داشته است که حکم فطری بشر اجرا شده و اجتماع تشکیل شود و افراد بشر با یکدیگر تعاون و معاضدت داشته باشند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۸۴-۴۸۵). بنابراین، غیبت اگرچه در ظاهر شیرین است، اما باطن و حقیقت آن خبیث و تنفرآور و همانند خوردن گوشت برادر مرده است (همان‌گونه که مرده قدرت دفاع از خود ندارد، شخصی که مورد غیبت قرار گرفته است، چون حضور ندارد، قدرت دفاع از خود ندارد و حتی از کل جریان بی‌خبر است) و همان‌طور که اگر از بدن مرده چیزی کنده شود، جای آن برای همیشه خالی می‌ماند و قابل رویش نیست،

آبروی از دست‌رفته نیز هرگز جبران نمی‌شود. البته قطعاً شما از خوردن گوشت برادر مرده‌تان کراهت و نفرت دارید؛ به همین شکل، غیبت برادر مؤمن‌تان نیز باید مورد نفرت شما باشد؛ چون این کار نوعی درندگی بی‌رحمانه است و تمام آبروی فرد را در یک لحظه می‌ریزد و شخصیت او را برای همیشه در اذهان دیگران تخریب می‌کند. به علاوه، این کار خلاف تقوا و موجب ناخشنودی خداست. پس اگر از این کار پشیمان شوید و درصدد جبران برآید، خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است؛ اما اگر توبه و جبران نکنید، حقا از ستمکاران خواهید بود. در این نمونه می‌توان نحوه کاربرد روش تبیین را در آموزش اخلاقیات به خوبی مشاهده نمود:

الف) انسان با دیدگاهی توحیدی به خودش شناسانده شده است: مؤمنان دارای فطرت پاک و گریزان از خبائث و رفتار توحش‌آمیزند و با یکدیگر برادر و مهربان هستند.
 ب) استدلال در مورد علت مذمت این‌گونه اعمال غیر اخلاقی براساس حقیقت اعمال و پیامد آنهاست. «عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءِ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ» (حجرات، ۱۱)، «بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ (همان)» و یا «إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (حجرات، ۱۲).

ج) معرفی خداوندی که در پی هدایت بندگانش است تا آنها را از اشتباه بازدارد و به‌علاوه، بسیار توبه‌پذیر و مهربان است؛ به‌طوری‌که اگر خطاکاران پشیمان شوند و درصدد جبران برآیند، با گشاده‌رویی می‌پذیرد و آنها را مورد رحمت قرار می‌دهد.
 د) استفاده از تمثیل (تمثیل خوردن گوشت برادر مرده برای غیبت) برای درک بهتر زشتی عمل و تشبیه (تشبیه رابطه دو مسلمان به رابطه برادری) جهت تحریک عاطفی و انگیزشی برای اجتناب از ارتکاب اعمال زشت.
 و) در عین نشان دادن عمق زشتی عمل، راه بازگشت را نیز نشان می‌دهد و به جبران عمل تشویق می‌کند.

نتایج «تبیین» در تربیت اخلاقی

تبیین به طرق مختلف در تربیت اخلاقی مؤثر واقع می‌شود:

۱. کسب بینش و تقویت تفکر

تبیین سبب گسترش، تعمیق و اصلاح شناخت می‌شود و زمینه تفکر، تعقل و تشخیص حق و باطل و خیر و شر را فراهم می‌کند. آیات «...كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ»

(بقره، ۲۱۹) و «كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (بقره، ۲۴۲) نشان می‌دهد که قرآن گرچه انسان‌ها را به اطاعت مطلق از خدا و پیامبر(ص) دعوت می‌کند، در عین حال نمی‌خواهد معارف و احکام، کورکورانه و با جمود محض و بدون هیچ‌گونه تفکر اخذ شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۹۵). این بدان معناست که انسان باید برای آگاهی از روح و اسرار احکام تلاش کند و تا حد امکان با درک صحیح آنها را انجام دهد.

۲. غفلت‌زدایی

طبق آیه «... وَبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (بقره، ۲۲۱) تبیین باعث می‌شود که بسیاری از مطالبی را که انسان به‌نحوی بدان آگاهی داشته، اما نسبت به آن بی‌توجه و غافل بوده یا آنها را فراموش کرده است، متذکر شود.

۳. زمینه‌سازی برای ایمان، تقوا و عمل صالح

در قرآن کریم، ملاک سعادت، معرفت صرف نیست؛ بلکه ایمان به خدا و عمل صالح است. اما معرفت، مقدمه ضروری برای ایمان و عمل می‌باشد. آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ...» (بقره، ۲۵۶) نشان می‌دهد که خداوند راه هدایت و رشد را از انحراف مشخص کرده است تا انسان به اختیار خود یکی از دو راه ایمان و کفر را انتخاب کند و عواقب آن را بپذیرد. ایمان از نظر علامه طباطبایی، عملی ارادی و دارای دو جزء معرفتی و ارادی است و معرفت زمینه را برای پذیرش و تسلیم در برابر متعلق ایمان فراهم می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۴۸۴). ایمان، معرفتی بدون آفت، تردید و تزلزل است و لذا نفس آن را می‌پذیرد (همان، ص ۲۱۳؛ همان، ج ۱، ص ۷۳)؛ پس معرفت‌بخشی، قسمتی از روند تقویت ایمان است. از سوی دیگر، تقوا نیز ملازم با ایمان است و باعث التزام عملی به معرفت و انجام اعمال صالح می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۲۱۵). انسان با تقوا در برابر امیال نفسانی خویشنداری ورزیده و خود را از هر عمل منافعی با کمال، محافظت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۴۹۹)؛ گاه به‌خاطر خوف از عذاب الهی، گاه به‌خاطر امید به پاداش اخروی و گاه به‌خاطر عشق به خداوند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۲۱۴)؛ اما در هر صورت، برای متقی شدن و انجام اوامر الهی ابتدا باید به چند و چون این احکام و پیامدهای تبعیت یا سرکشی از آنها آگاه شد و این معرفت از طریق تبیین فراهم می‌شود. لذا تبیین، تقوا را نیز زمینه‌سازی می‌کند (كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ) (بقره، ۱۸۷).

۴. ویژگی‌ها و کاربردهای روش تبیین در تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی به صورت غیر رسمی در دامان خانواده آغاز می‌شود و توسط نظام تربیت رسمی ادامه می‌یابد. پیش از طرح دلالت‌های روش تبیین برای این دو نظام تربیتی به تفکیک، وجوه مشترک این روش برای دو نظام بیان می‌شود.

تبیین، ارائه صرف اطلاعات در مورد اخلاقیات نیست. علامه برای توصیف علم اخلاق از واژه‌هایی همچون «بحث کردن»، «توضیح دادن» و «ایجاد اعتقاد» استفاده می‌کند و این بدان معناست که چنین علمی از راه تحریک فرایندهای عقلانی حاصل می‌شود؛ بنابراین، می‌توان شناخت اخلاقی را یک مهارت عقلانی دانست؛ شاید به همین دلیل ایشان علم اخلاق را یک «فن» می‌دانند. ویژگی‌هایی همچون استدلالی بودن، قضاوت در مورد اعمال و ملکات، بحث در چرایی عمل به دستورات و انگیزه‌بخشی و تحریک فرد برای عمل به دانسته‌ها، از مشخصه‌های روش تبیین است و آن را از ارائه صرف اطلاعات متمایز می‌کند.

آنچه در این مقاله در مورد روش قرآنی تبیین ذکر شد، با بحث تبیین در غرب، یعنی رویکرد تبیین ارزش‌ها^۱ در تربیت اخلاقی متفاوت است. نگاه غربی، کاملاً دنیوی و مادی است و تنها در پی آن است که فرصتی برای دانش‌آموزان ایجاد کند تا ارزش‌ها و عقاید اخلاقی خودشان را بهتر و واضح‌تر بشناسند و در نهایت، هرگونه ارزش‌گذاری شخصی توسط آنها مناسب و موفقیت‌آمیز تلقی می‌شود (الرود، ۱۳۸۲)؛ اما روش قرآنی تبیین، مبتنی بر جهان‌بینی الهی است. بنابراین، اولاً، معرفت اخلاقی، و حیانی، حقیقی و قطعی است و محتوای مشخصی (اصول ثابت اخلاقی) برای تبیین وجود دارد و نقطه‌نهایی مطلوبی نیز (پذیرش عقلی حقایق و ارزش‌های معین و ایمان و عمل به آنها) برای آن در نظر گرفته می‌شود و چنین نیست که مربی از موضع خنثی با مسائل برخورد کند؛ ثانیاً، در بیان حکمت احکام اخلاقی، افزون بر نتایج دنیوی اعمال، پیامدهای اخروی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد؛ پس استدلال، کامل‌تر و غنی‌تر خواهد بود؛ ثالثاً در مکتب قرآن، معرفت مقدمه عمل است و تنها از طریق ایمان و عمل و ایجاد ملکات اخلاقی، علم در نفس تثبیت شده و سعادت حقیقی محقق می‌شود. پس تبیین تنها نخستین گام تربیت است؛ اما در رویکرد غربی، تبیین ارزش‌ها، تمام فرایند تربیت اخلاقی را تشکیل می‌دهد و این نشانگر تأکید افراط‌گونه بر مؤلفه معرفتی اخلاق و غفلت از دیگر مؤلفه‌هاست.

اما دو نکته روش‌شناختی نیز لازم است در هر دو نظام رسمی و غیر رسمی رعایت شود. یک نکته مربوط به مربی است و آن اینکه مربی (اعم از والدین، معلم یا واعظ) باید افزون بر عالم‌بودن، عامل باشد. در غیر این صورت، مربی این معارف را از او نمی‌پذیرد و حتی در صورت داشتن باورهای قبلی، آن باورها متزلزل می‌شود. نکته بعدی مربوط به خود مربی است که باید از آمادگی و ظرفیت ذهنی لازم برای درک توضیحات مربی برخوردار باشد. پس از بیان این ویژگی‌های عمومی، اکنون دلالت‌های این بحث برای نظام تربیتی رسمی و غیر رسمی به تفکیک بررسی می‌شود.

الف) تربیت اخلاقی در نظام غیر رسمی

خانواده مهم‌ترین نهاد تربیت اخلاقی غیر رسمی است. تربیت اخلاقی از دوران طفولیت و در دامن خانواده آغاز می‌شود. هرچند رشد استدلال‌های اخلاقی به رشد شناختی کودک وابسته است (مارک و تنسی، ۲۰۰۵، ص ۱۰۴-۱۰۷) و در ابتدا کودک هنوز قادر به درک مفاهیم انتزاعی و استدلال‌های والدین نیست و تنها از روی پیامدهای فوری و محسوس اعمال خود (لبخند و تشویق یا اخم و ملامت والدین) به مقبول یا مذموم بودن عمل پی می‌برد، اما همزمان با رشد شناختی و رشد مهارت‌های زبانی، به تدریج می‌توان دلایل خوبی و بدی اعمال را برای او توضیح داد تا پیامدهای بلندمدت اعمال یا آثار آن بر دیگران را نیز متوجه شود. در چگونگی انتقال ارزش‌های والدین به فرزندان به‌طور کلی می‌توان دو سبک مختلف را در نظر گرفت:

- والدین سعی می‌کنند ارزش‌های مقبول را با تحکم و اجبار (بدون توضیح منطقی) بر فرزندان تحمیل کنند، از فرزندان انتظار اطاعت بی‌چون و چرا دارند و از ابزارهایی همچون ملامت و تنبیه برای جلب همکاری و ممانعت از نافرمانی استفاده می‌کنند. می‌توان این الگوی رفتاری را روش تحمیلی آمرانه نامید؛

- والدین تعامل و گفتگو با فرزندان را با ارزش می‌دانند و وقت بیشتری برای این کار صرف می‌کنند. ارزش‌های مقبول جامعه را با دلایل منطقی برای فرزندان توضیح می‌دهند. اجازه بحث و سؤال به آنها می‌دهند و با سعه صدر و محبت بیشتری به سؤالات آنها پاسخ می‌دهند و سعی می‌کنند آنها را اقناع نمایند و البته در این کار جدی هستند؛ می‌توان این روش را روش تبیینی نامید.

روش تحمیلی به‌ویژه در دوران نوجوانی که افراد از اجبار و امر و نهی نصیحت‌گونه گریزانند و بیشتر مایلند که دلایل منطقی بزرگترها را بشنوند، می‌تواند

نتیجه معکوس داشته باشد و آتش لجاجت آنها را شعله‌ور کند یا حداکثر، رفتاری سطحی، تقلیدی و موقت را در آنها برانگیزد.

در مقابل، با روش تبیینی، کودک یا نوجوان انگیزه و احساس مسئولیت بیشتری برای انجام اعمال اخلاقی خواهد داشت؛ بنابراین، اخلاق او صبغه خود-انضباطی^۱ و خود-کنترلی^۲ پیدا می‌کند و تغییرات رفتاری عمیق‌تر و پایدارتری ایجاد می‌شود. از متون دینی و روایات نیز چنین برمی‌آید که همگام با رشد ظرفیت علمی و ادراکی کودک و نوجوان، والدین باید به جای برخوردهای تحکم‌آمیز، رویه‌هایی همچون نظرخواهی، همفکری و مشورت با ایشان را در پیش گیرند که به رشد بهتر فرایندهای فکری و استدلال نوجوان منجر شود و در نهایت او مسئولیت اعمال و رفتار خود را بر عهده گیرد.

در همین رابطه می‌توان به نظر روان‌شناسان در مورد سبک‌های فرزندپروری نیز اشاره کرد. این سبک‌ها معمولاً بر حسب دو شاخص محبت والدین به فرزند و مطالبه‌گری والدین به سه نوع مستبدانه، سهل‌گیرانه و مقتدرانه تقسیم می‌شود. والدین مستبد به جای کنترل منطقی اعمال فرزندان، بر اعمال قدرت، انضباط اجباری و اطاعت محض فرزندان تأکید دارند، به‌ندرت دلیل خواسته‌های خود را توضیح می‌دهند، کمتر با فرزندان گرم و صمیمی هستند و به آنها اجازه مخالفت با تصمیمات و قواعد خود را نمی‌دهند. در عوض، والدین سهل‌گیر، فرزندان را کنترل نمی‌کنند و از آنها توقعی ندارند و در تشویق و تنبیه آنها جدی نیستند. در سبک فرزندپروری مقتدرانه، والدین رابطه‌ای پر محبت و صمیمی با فرزندان داشته، ضمن کنترل منطقی فرزندان، توقعات منطقی و عاقلانه دارند. برای جلب موافقت آنها، دلایل روشن ارائه می‌دهند، احساس و عقیده کودک را در امور مختلف جویا می‌شوند و در برابر اعمال او عکس‌العمل مناسب نشان می‌دهند (ماسن و همکاران، ۱۳۷۷). روشن است که سبک‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه نمی‌تواند شخصیت سالمی به بار بیاورد؛ فرزندان والدین سهل‌گیر بسیار ناآگاه، ناپخته و بی‌مسئولیت بار می‌آیند و در سال‌های آتی نمی‌توانند تکانه‌ها و خواسته‌های غیر عقلانی خود را کنترل کنند. ثمره تربیت مستبدانه هم افرادی است که توجیهات مستدلی برای پایبندی به هنجارهای اخلاقی ندارند و لذا یا دچار لجاجت و منفی‌کاری می‌شوند یا تنها از روی تقلید کورکورانه و ترس از تنبیه (و احتمالاً، نه برای

1. Self-discipline
2. self-control

همیشه) رفتار خود را با جامعه تطبیق می‌دهند. تنها سبک تربیتی مقتدرانه است که می‌تواند اهداف تربیت را محقق سازد. شیوه تربیتی قرآن نیز شیوه‌ای مقتدرانه است. خداوند به‌عنوان تبیین‌کننده احکام و آموزه‌هایی دین، پروردگاری عزیز و مقتدر و در عین حال، حکیم و علیم است و شیوه تعلیمی او آمیخته با رأفت و رحمت است؛ پس خداوند انسان‌ها را به اطاعت مطلق دعوت می‌کند، در عین حال نمی‌خواهد معارف و احکامی که اطاعت می‌کند، کورکورانه و بدون هیچ‌گونه تفکر و تأمل اخذ شود.

ب) برنامه رسمی تربیت اخلاقی

با در نظر گرفتن روش تبیین در تربیت اخلاقی، برنامه‌های تربیت اخلاقی مدارس دارای ویژگی‌های زیر خواهد بود:

- **هدف:** هدف تعلیمات (تبیین) این است که معارف اخلاقی به‌صورت مستدل و تفصیلی برای مربی مشخص شود و جای کوچک‌ترین سؤال، ابهام یا شبهه‌ای برای او باقی نماند و در همین ارتباط، قدرت قضاوت اخلاقی او تقویت شود.

- **محتوا (و فرایند):** در اسلام، اصول ارزش‌های اخلاقی، فرازمانی و فرامکانی هستند؛ بنابراین، محتوای معینی در عرصه اخلاقیات، تبیین می‌شود که همانا حقایقی در مورد انسان، جهان و نیز حدود الهی است. در عین حال، تحریک فرایندهای شناختی (از قبیل تفکر منطقی، تفکر نقاد و داوری) نیز به اندازه آموزش محتوا مهم تلقی می‌شود.

- **روش:** معلم به‌جای تحمیل عقیده و آموزش سطحی و متکی بر محفوظات، می‌کوشد با ارائه تفصیلی حقایق همراه با استدلال‌های روشن (ساده و قابل فهم)، قاطع و کافی در مورد حکمت احکام، استفاده به‌موقع از تشبیه و تمثیل برای روشن شدن مطلب، ایجاد سؤال در ذهن مخاطب در مواقع مناسب و کمک برای یافتن پاسخ صحیح، استفاده از تجربیات عینی برای نشان دادن نتایج اعمال و عبرت‌آموزی، عقل مربی را رشد دهد.

- **ویژگی‌ها و نقش مربی:** معلم و مربی اخلاق، فردی دارای علم، حکمت و رحمت است؛ یعنی احاطه علمی دارد، عامل است و آموزش او با مهربانی و رحمت توأم است. یکی از معانی حکیم به‌ویژه در حوزه حکمت اخلاقی، از نظر علامه طباطبایی این است که انسان هم مصلحت حقیقی را به درستی تشخیص دهد و هم به‌طور جدی و بدون تزلزل به عمل اقدام کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۳۸)؛ لذا علم و عمل قاطعانه، هر دو مد نظر است.

- **ویژگی‌ها و نقش مربی:** مربی فردی با ذهنی پویا و پرسشگر است که فعالانه با اطلاعات مواجه می‌شود، آنها را بررسی می‌کند و عقلاً می‌پذیرد. مربی برای اینکه از تبیین‌ها بهره‌بردار، باید آمادگی و ظرفیت ذهنی، انگیزش کافی و روحیه حقیقت‌جویی داشته باشد که به تعبیر استاد مطهری حقیقت‌جویی امری فطری است. وجود شیوه‌استفهامی در قرآن به قصد ایجاد کنجکاوی در مربی است که خود فعالانه به تأمل در مسئله پردازد. آیاتی مانند «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (الرحمن، ۶۰) دلالت بر این امر دارد.

- **ارزشیابی:** ارزشیابی‌ها صرفاً معطوف به ارزشیابی محتوا نیستند بلکه قدرت تفکر، ارائه شواهد و دلایل و داوری اخلاقی را نیز شامل می‌شود.

عناصر شش‌گانه تربیت اخلاقی با روش تبیین مطرح شد. اکنون در پرتو این بحث، نگاه آسیب‌شناسانه به وضع موجود برنامه‌های تربیت اخلاقی کشور خواهیم داشت. به‌ویژه در سال‌های اخیر تحقیقات زیادی در زمینه آسیب‌شناسی تربیت دینی و اخلاقی در کشور انجام شده‌اند. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهند که برنامه‌های تربیتی جاری در مدارس، با روش تبیین فاصله زیادی دارند. بخش عمده‌ای از کتب مربوطه (مانند کتب بینش اسلامی) به ارائه صرف برخی حقایق و باید و نبایدها می‌پردازند، بدون اینکه مربیان را به تأمل و تفکر برانگیزند. به عبارت دیگر، صرفاً بر انتقال اطلاعات دینی و اخلاقی و حفظ طوطی‌وار آنها توسط مربیان تأکید می‌شود. گاهی اوقات نیز ابتدا شبهاتی مطرح می‌شود، اما هنگام پاسخ‌گویی و رفع شبهه، استدلال‌ها فاقد استحکام کافی است و نمی‌تواند شبهه مطرح‌شده را رفع کند. از سوی دیگر، تعداد قابل توجهی از معلمانی که مسئولیت تدریس این کتاب‌ها را بر عهده دارند، از نظر علمی، اعتقادی، شخصیتی و انگیزشی وضعیت چندانی مطلوبی ندارند و به‌علاوه، مطالب را با روش‌های غیر فعال، تلقینی محض و آموزش سطحی تدریس می‌کنند. شیوه‌های ارزشیابی نیز بیشتر، محفوظات ذهنی مربیان را هدف قرار می‌دهد و با این کار، فرهنگ نمره‌محوری، کنکورمحوری و مدرک‌گرایی را ترویج و تداوم می‌بخشد.^۱ این یافته‌ها نشان می‌دهد که تمام مؤلفه‌های تربیت (محتوای کتب درسی، روش تدریس، شیوه‌های ارزشیابی و مهارت‌های مربی) از شیوه تربیتی تبیین فاصله زیادی دارند و ناکارآمد هستند. در صورت تداوم این روش‌های آسیب‌زا، کماکان شاهد گسترش روز افزون ناهنجاری‌های اخلاقی در جامعه به‌ویژه در میان نسل جوان خواهیم بود.

۱. شمشیری و نوذری، ۱۳۹۰؛ نساجی زواره، ۱۳۸۸؛ کشاورز، ۱۳۸۷؛ سعیدی رضوانی، ۱۳۸۶؛ رهنما و همکاران، ۱۳۸۵؛

حداد عادل، ۱۳۸۳؛ دانشگر و همکاران، ۱۳۸۳؛ اکرمی، ۱۳۸۲؛ باقری، ۱۳۸۲؛ سعیدی رضوانی و کیانی نژاد، ۱۳۸۲.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در این مقاله، جایگاه مهم معرفت در تربیت اخلاقی و ابعاد گسترده آن توضیح داده شد. برای معرفت‌بخشی صحیح و کارآمد، می‌توان از قرآن کریم الگو گرفت. روش قرآن کریم را برای تعلیم و تفهیم حقایق و ارزش‌ها می‌توان «تبیین» نامید. تمایز اصلی تربیت حقیقی از شبه تربیت نیز در همین عنصر - تبیین - نهفته است؛ زیرا تبیین، در نقطه مقابل تحمیل و تقلید کورکورانه قرار دارد، با ایجاد فهم حداکثری، زمینه را برای انتخاب آگاهانه و آزادانه متربی فراهم می‌کند. تبیین، آموزش صرف نیست؛ بلکه گونه‌ای روشنگری است که زمینه تفکر و تعقل را فراهم می‌کند، عواطف و انگیزش مخاطب را برمی‌انگیزد، او را به عمل تحریک و ترغیب می‌کند و از این‌رو، انتظار می‌رود که در نهایت به تقوا منتهی شود. روشن است که اگر شیوه‌های تربیت اخلاقی رایج در خانواده‌ها و مدارس تغییر یابد و با شیوه تبیین جایگزین شود، کارآمدی و اثربخشی آنها تا حد زیادی افزایش می‌یابد. در همین راستا، پیشنهاد‌های زیر برای اصلاح عملکرد تربیتی نهادهای ذیربط قابل طرح است:

پیشنهاد‌های کاربردی برای نظام رسمی تربیت اخلاقی

- الف) سامان‌دهی وضعیت تربیت معلم دینی و اخلاق (گزینش، آموزش و تربیت معلمان دینی و اخلاق به گونه‌ای که واجد ویژگی‌های شخصیتی مثبت، تسلط علمی و نیز عامل به اخلاق باشند)؛
- ب) تغییر نگاه به متربی و پذیرش او به‌عنوان موجودی فعال، پرسشگر، پویا و حقیقت‌جو که فعالانه اطلاعات را دستکاری می‌کند؛
- پ) تغییر رویکرد آموزش اخلاقیات از ارائه اطلاعات و محفوظات سطحی به رویکرد استدلالی - اقناعی و بیان فلسفه اخلاق؛
- ت) تقویت تفکر انتقادی همراه با ارائه معیارهای نقد و تمرین عملی نقادی اندیشه‌ها و اعمال انسان‌ها به‌جای تعرض و تخریب شخصیت ایشان؛
- ث) اصلاح روش‌های آموزشی و استفاده از روش‌های تدریس فعال همچون مباحثه، مقایسه، پرسش و پاسخ (پاسخ‌گویی به شبهات)، بحث و تمرین عملی داوری اخلاقی با استفاده از مسائل روز، تشبیه، تمثیل و تحریک عاطفی و انگیزشی؛
- ج) تکمیل ارزشیابی‌های محتوایی با ارزشیابی فرایندی (مانند ارزشیابی قدرت تفکر، استدلال، ارائه شواهد و دلایل و داوری اخلاقی).

پیشنهاد‌های کاربردی برای نظام غیر رسمی تربیت اخلاقی

پیشنهاد‌های کاربردی برای مهم‌ترین نهاد تربیتی غیر رسمی یعنی خانواده به شرح زیر است:

الف) برنامه‌ریزی و اجرای دوره‌های تربیت اخلاقی برای خانواده‌ها (والدین) جهت تعمیق مبانی معرفتی آنها تا اولاً خود عامل به اخلاق شوند و ثانیاً در تربیت نسل بعد، شیوه‌های کارآمدتری در پیش گیرند؛

ب) تغییر رویکرد تربیت اخلاقی خانواده از تحمیل آمرانه ارزش‌ها به تبیین؛ تا اینکه فرزندان به جای اطاعت کورکورانه از والدین، از روی آگاهی و احساس مسئولیت و داوطلبانه از نظام ارزشی حق پیروی کنند؛

پ) اصلاح شیوه‌های منفعلانه‌ای چون ملامت، توبیخ و تنبیه برای جلب همکاری به روش‌های مثبت و فعال همچون تشریح فلسفه اخلاقیات، مقایسه گزینه‌ها و تحریک انگیزشی عاطفی (به ویژه برای نوجوانان) که البته تحقق موارد یادشده مستلزم اختصاص زمان، حوصله و تعامل بیشتر با فرزندان است.

افزون بر نهاد خانواده، رسانه ملی (تلویزیون) نیز نهاد غیر رسمی دیگری است که می‌تواند نقش مهمی در تربیت اخلاقی آحاد جامعه به‌ویژه نسل جوان داشته باشد؛ زیرا نوجوانان و جوانان میزان زیادی از وقت خود را صرف آن می‌کنند. بنابراین، می‌توان پیشنهاد‌های ذیل را نیز برای رسانه ملی مطرح کرد:

الف) تغییر اساسی در رویکرد رسانه ملی از سرگرمی، جذب مخاطب و پر کردن اوقات فراغت، به رویکرد «تربیتی - تفریحی سالم»؛

ب) تأکید بیشتر رسانه بر تعمیق معرفت مخاطبان به‌جای اطلاع‌رسانی و تشویق صرف؛
پ) استفاده از رویکرد معرفت‌بخشی روشن، دقیق و استدلالی در کنار رویکرد آموزشی غیر مستقیم و ضمنی (که در قالب فعالیت‌های هنری به انجام می‌رسد)؛

ت) استفاده بیشتر از برنامه‌های پرسش و پاسخ و پاسخ‌گویی به شبهات موجود در جامعه در حوزه ارزش‌ها و اخلاقیات.

افزون بر خانواده و رسانه، مساجد (و منابر) نیز از دیگر نهاد‌های تربیت اخلاقی تاثیرگذار بر آحاد جامعه هستند. به نظر می‌رسد که روش‌های تربیتی جاری در این مراکز نیز جای تأمل و بازبینی دارد. در همین راستا، پیشنهاد‌های ذیل نیز برای این نهاد دینی قابل طرح است:

الف) تأکید بیشتر بر ایجاد فهم و بصیرت در مخاطبان با استفاده از روش‌های اقناعی و استدلالی همچون روش تبیین و اکتفا نکردن به روش‌های تربیتی جاری (همچون موعظه، انذار و تبشیر)؛

ب) استفاده مکمل از روش‌های تربیتی تعاملی (مانند پرسش و پاسخ و مباحثه) در کنار روش سخنرانی یک سویه جهت پاسخ‌گویی به سؤالات و مشکلات مخاطبان؛

پ) طرح مسائل روز و شبهات موجود در جامعه در زمینه اخلاقیات و پاسخ‌گویی به آنها؛

با امید به اینکه با پیاده‌کردن شیوه تبیین قرآنی در تمامی برنامه‌های تربیتی، شاهد ارتقای سطح اخلاق‌ورزی در جامعه باشیم.



منابع

قرآن کریم.

- ارفع، کاظم (۱۳۷۴)، *اسماء الحسنی*، تهران: فیض کاشانی.
- اکرمی، سیدکاظم (۱۳۸۲)، «تحقیقی چند وجهی در باب کتاب‌های بینش اسلامی متوسطه»، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی، ج ۲، تهران: محراب قلم.
- باقری، خسرو (۱۳۷۷)، *مبانی شیوه‌های تربیت اخلاقی*، سازمان تبلیغات اسلامی.
- باقری، یونس (۱۳۸۲)، «وضعیت موجود درس دینی از لحاظ نیروی انسانی»، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی، ج ۲، تهران: محراب قلم.
- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۳)، *آسیب‌شناسی تربیت دینی*، مصاحبه‌کننده: اسدالله مرادی، تهران: مدرس.
- حسینی، محمد (۱۳۸۲)، *بررسی دیدگاه ارزش‌شناسی علامه طباطبایی و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی*، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تهران.
- دانشگر، سعید؛ جعفری، سید ابراهیم؛ لیاقت‌دار، محمد جواد (۱۳۸۳)، «آسیب‌پذیری تربیت دینی و زمینه‌های آموزشی آن»، *دانش و پژوهش در علوم تربیتی*، ش ۳، ص ۳۳-۵۲.
- رهنما، اکبر؛ طباطبایی، فرزانه؛ علیین، حمید، (۱۳۸۵)، «آسیب‌شناسی تربیت دینی دانش‌آموزان از دیدگاه مدیران مدارس راهنمایی شهر تهران»، *دانشور رفتار*، ش ۲۱، ص ۴۳-۵۴.
- الرود، فردریک.. ای. (۱۳۸۲)، «فلسفه‌های معاصر تربیت اخلاقی»، ترجمه حسین کارآمد، مجله معرفت، ش ۶۱.
- سعیدی رضوانی، محمود (۱۳۸۶)، *بررسی وضع موجود تربیت دینی و اخلاقی دانش‌آموزان و ارزیابی آن بر اساس مؤلفه‌های اصلی آموزش و پرورش*، تهران: دفتر سند ملی آموزش و پرورش.
- سعیدی رضوانی، محمود؛ کیانی‌نژاد، عذرا (۱۳۸۲)، «بررسی عوامل تأثیرات نامطلوب درس بینش اسلامی دوره متوسطه»، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی، ج ۲، تهران: محراب قلم.

شمشیری، بابک؛ مرضیه نوذری، (۱۳۹۰)، «آسیب‌های تربیت دینی کودکان مقطع پیش دبستانی از نظر متخصصان علوم تربیتی، روان‌شناسی، علوم دینی، ادبیات کودک و مربیان پیش دبستانی»، *تربیت اسلامی*، س ۶، ش ۱۲، ص ۵۱-۷۳.

طباطبائی، محمد حسین (۱۳۴۴)، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد خامنه، قم: دارالعلم. _____ (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

_____ (۱۳۸۹)، *نهایت‌الحدکمه*، ترجمه و شرح علی شیروانی، قم: بوستان کتاب.

عمید، حسن (۱۳۶۳)، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: امیر کبیر.
فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۲)، *استراتژی اثربخشی اخلاق حرفه‌ای*، تهران: فرا. _____ (۱۳۸۵)، *روش‌شناسی مطالعات دینی*، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

قرائتی، محسن (۱۳۸۴)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
قرشی، علی اکبر (۱۳۶۱)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
کشاوری، سوسن (۱۳۸۷)، «شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی»، *تربیت اسلامی*، س ۳، ش ۶، ص ۹۳-۱۲۲.
ماسن، پاول هنری و همکاران (۱۳۷۷)، *رشد و شخصیت کودک*، ترجمه مهشید یاسایی، تهران: نشر مرکز.

نساجی زواره، اسماعیل (۱۳۸۸)، «آسیب‌شناسی تربیت دینی دانش‌آموزان»، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

American Heritage Dictionary of English Language (1992), Houghton Mifflin Company.

Mark Halstead, T. & Terence, H. McLaughlin (2005), *Education in Morality*, London: Routledge.